

میرابی گل محمدی

حنا طرات
مربیان پرورش
دههٔ شصت
آذربایجان شرقی

تحقیق: حسین وحیدرضایی نیا
تدوین: روح‌الله رشیدی



فهرست

۹	مقدمه
۱۳	حسن! نترس
۱۵	مسئولیت برای مشغولیت
۱۷	ملاقات با منافقین
۲۱	غوغا در مدرسه
۲۳	لنین هم آنجا بود
۲۵	سروکله بچه‌ها را شکستند
۲۷	ابراز عقیده در دستشویی
۲۹	تا «بازی‌دراز»
۳۱	فقط همین را داشتم
۳۵	ای کاش به دست برادرم برسد
۳۷	مریم از تبریز
۳۹	مریای گل محمدی
۴۱	جلیقه‌ای برای مقابله با گلوله
۴۳	قبولی خونین در سالن امتحان
۴۵	آمیولانس برای جبهه
۴۷	اولین شهید مدرسه ما
۴۹	۲۲ رزمنده
۵۱	سوار بر کمپرسی
۵۳	زیارت شهدای ارمنی
۵۵	کوچک سال‌های بزرگ‌منش
۵۷	دختری به نام «عارفه»
۵۸	فرهاد مادر ندارد
۶۱	سرودی که یک شبه ساخته شد
۶۴	مهمان سوری‌ها
۶۷	گروه سرود بی‌نوازنده

۶۹	سدشکن ها
۷۱	بیابید مصلّا، سرود بخوانید
۷۳	امام جمعه و خودکفایی موسیقایی
۷۵	مجوزی که نماینده امام داد
۷۷	سرودسازی بهنگام
۷۹	من نشسته‌ام؛ تو کجا می‌روی؟
۸۱	شده آمریکا باطل
۸۳	آغلاما آی آنا
۸۴	اول آمپول، بعد فیلم
۸۶	در بستر ترس
۸۹	آپارات بردوش
۹۰	سینما در مدرسه
۹۱	شب فیلم در روستا
۹۳	ما را از مسجد انداختند بیرون
۹۴	ویدئوی مجاز
۹۵	آتش در مسجد
۹۷	تئاتر به وقت مدرسه
۹۸	تئاتر انترناسیونالیستی
۱۰۱	نمایش پرپرکت
۱۰۳	گریمر مدرسه
۱۰۴	مهاجرت به حبشه
۱۰۵	دبیر علوم، بین ساخت
۱۰۶	بگومگوی «ثریا خانم» و «جعفر»
۱۰۹	قدیر و بصیر
۱۱۲	فولکس خادم آمد
۱۱۳	جمع کنید بساطتان را
۱۱۴	آخرین نفس های صدام
۱۱۶	اولین نمایشی که روستایی‌ها دیدند
۱۱۷	پیوند دو عشق
۱۲۰	«طیاره» برای بچه‌های فلسطین
۱۲۱	شیر جنگل
۱۲۲	نمایش های داوری
۱۲۳	لوازم تئاتر را از هیئت گرفتیم
۱۲۵	امام جمعه هنردوست
۱۲۷	سهامداری فرهنگی
۱۲۹	درخت کتاب
۱۳۰	من چیستم؟
۱۳۲	ایستگاه سواد

مقدمه

گل محمدی برای ما یک نشانه است. به هم رسیدن اسلام و ایران را در این گل خوشبو و خوشرنگ می بینیم. و مربای گل محمدی، با آن عطر و طعمش، جزئی از تاریخ ماست. لااقل ما را تا دل دهه شصت می برد. دهه شورانگیز شصت، که مدرسه قلب تپنده اش بود و مربی پرورشی، محور همیشه فعال و همواره جوشانش. مربای گل محمدی، طعم و عطر یک دهه کار شورانگیز را تداعی می کند. مربای گل محمدی، دست ما را می گیرد و با خود به گلستان گل های محمدی می برد. به کلاس، به مدرسه، به مسجد، به اردوگاه، به سینما و تئاتر و سرود، به لحظه های مشایعت شهدا تا بهشت برین. خاطرات مربیان پرورشی دهه شصت، در کنار هم، گلستانی را تصویر می کند که گل های خوشرنگ این سرزمین، در آن سرکشیده و قد افراشته اند.

تدوین خاطرات مربیان پرورشی دهه شصت از سال ۱۳۹۱ در واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی «آذربایجان شرقی» آغاز شد. شناسایی این مربیان و زمینه سازی برای مصاحبه و جمع آوری خاطراتشان، با مرارت هایی همراه بود. بازنشستگی بسیاری از آنها، دسترسی را محدود می کرد. با این همه به مدد همراهی تعدادی از مربیان، به صورت تدریجی جمع قابل توجهی از آنان شناسایی شدند. ارتباط گیری و طرح مسئله با این

عزیزان، خود تبدیل به عرصه‌ای برای درس‌آموزی شد. بسیاری از مریبان آن دهه چنان توافقی از خود نشان می‌دادند که به هیچ‌روی کار و فعالیت خود را شایسته بازگویی و ثبت در تاریخ نمی‌دانستند. این روحیه را هم باید در امتداد همان خصال تعبیر و تفسیر کرد که در سال‌های دهه شصت بر مجموعه امور تربیتی حاکم بود. مصاحبه‌ها که آغاز شد، گذر زمان تأثیر خود را نشان داد. عبور از سه دهه فعالیت پُرفراز و نشیب با روزها و شب‌های پراز اتفاق و خاطره و تجربه، مریبان پیشکسوت را در بیان خاطرات، محدود می‌کرد، اما با این همه به کمک تصاویر و خاطرات مشترک، بخشی از آنچه باید، بازگو شد.

ذکر این نکته ضروری می‌نماید که آنچه در این دفتر عرضه شده، تنها خاطرات مریبانی است که در شهر «تبریز» ساکن هستند. قطعاً تکمیل این پروژه نیازمند همراهی عموم مریبان عزیز دهه شصتی در سراسر استان است.

از ویژگی‌های این مجموعه، اتکای حداکثری به اسناد و تصاویر فعالیت‌های امور تربیتی است؛ اسنادی که قطعاً مشابه آن را می‌شود باز هم جست و به دست آورد.

به لطف الهی، در آینده نزدیک، با مساعدت و همراهی مریبان عزیز پرورشی دهه شصت، دفتر دوم این مجموعه نیز منتشر خواهد شد. به رسم ادب، شایسته است از تمام مریبان پیشکسوتی که با حوصله و متانت معلمی، رنج حضور در مصاحبه‌ها را پذیرفتند و با راهنمایی و نکته‌پردازی خود، ما را در تدوین این مجموعه یاری رسانند سپاسگزاری نماییم.

همچنین سپاسگزاریم از این عزیزان:

عکاس انقلاب و دفاع مقدس، «حاج حسین جباری‌پور» که عکس‌های بی‌نظیر خود را در اختیار ما گذاشتند.

آقایان «سلیم عاطفی»، «اسماعیل رادان» و «حمید عابدینی» برای مساعدت در دسترسی به آرشیو عکس‌های مربوط به مدارس دهه شصت.